www.filmbuzz.ir

MICRO-SERIES

IDW

TEENAGE MUTANT NINJA TURTLES

#8 • CVR A

ALLOR
McCAFFREY

FUGITOID

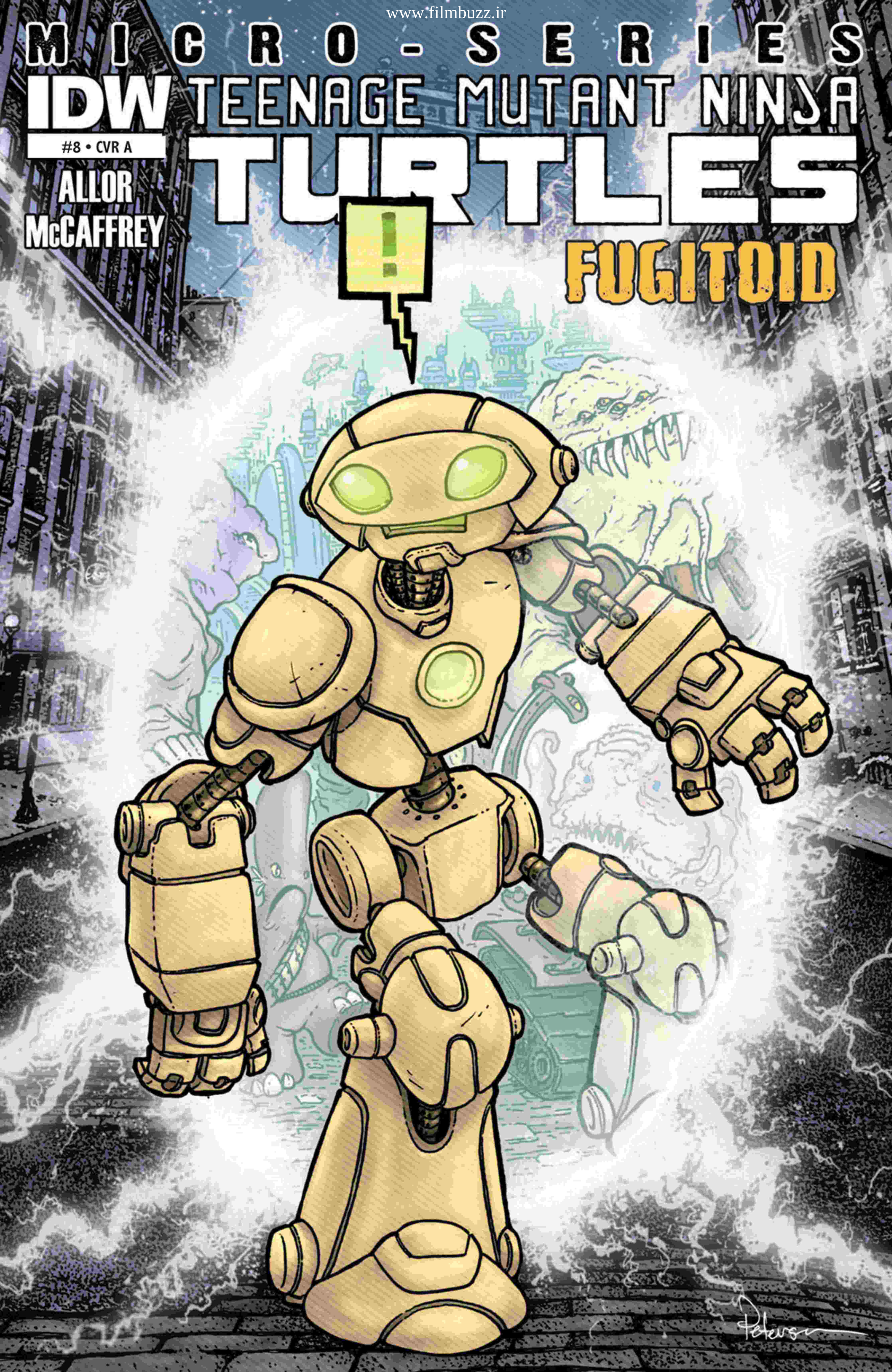

www.filmbuzz.ir

MICRO-SERIES

IDW

TEENAGE MUTANT NINJA TURTLES

#8 • CVR B

ALLOR
McCAFFREY

FUGITOID

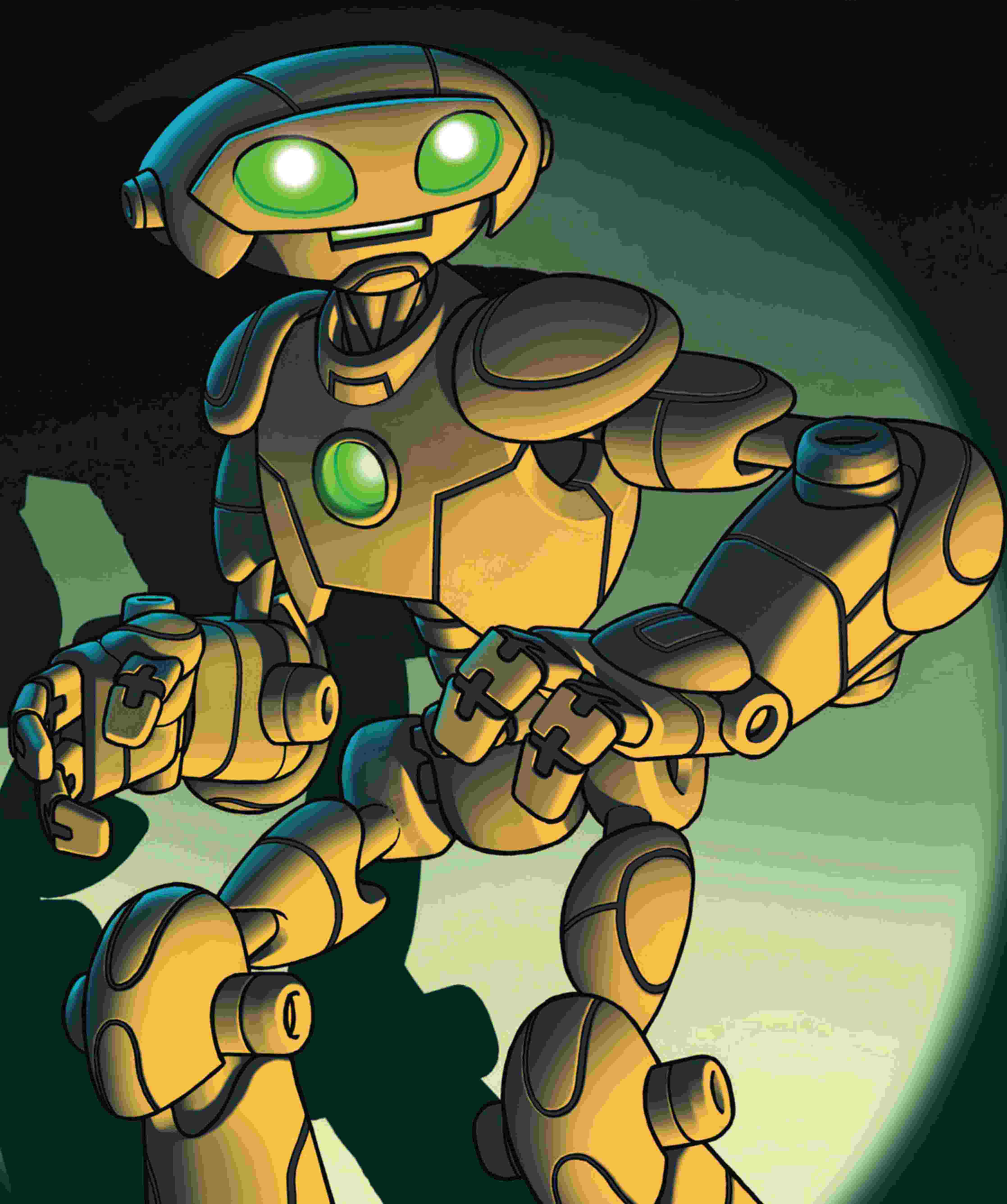

www.filmbuzz.ir

TEENAGE MUTANT NINJA TURTLES FUGITOID

SCRIPT BY **PAUL ALLOR**

ART BY **PAUL MCCAFFREY**

COLORS BY **JOHN-PAUL BOVE**

LETTERS BY **SHAWN LEE**

EDITOR **BOBBY CURNOW**

nickelodeon™

Special thanks to Joan Hilty, Linda Lee, and Kat van Dam for their invaluable assistance.

IDW founded by Ted Adams, Alex Garner, Kris Oprisko, and Robbie Robbins

IDW®

Ted Adams, CEO & Publisher
Greg Goldstein, President & COO
Robbie Robbins, EVP/Sr. Graphic Artist
Chris Ryall, Chief Creative Officer/Editor-in-Chief
Matthew Ruzicka, CPA, Chief Financial Officer
Alan Payne, VP of Sales
Dirk Wood, VP of Marketing
Lorelei Bunjes, VP of Digital Services

Become our fan on Facebook **facebook.com/idwpublishing**
Follow us on Twitter **@idwpublishing**
Check us out on YouTube **youtube.com/idwpublishing**
www.IDWPUBLISHING.com

TEENAGE MUTANT NINJA TURTLES MICROSERIES #8: FUGITOID. SEPTEMBER 2012. FIRST PRINTING. © 2012 Viacom International Inc. All Rights Reserved. TEENAGE MUTANT NINJA TURTLES and all related titles, logos and characters are trademarks of Viacom International Inc. Based on characters created by Kevin Eastman and Peter Laird. © 2012 Idea and Design Works, LLC. All Rights Reserved. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial offices: 5080 Santa Fe Street, San Diego, CA 92109. The IDW logo is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. Any similarities to persons living or dead are purely coincidental. With the exception of artwork used for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. Printed in Korea.
IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork.

www.filmbuzz.ir

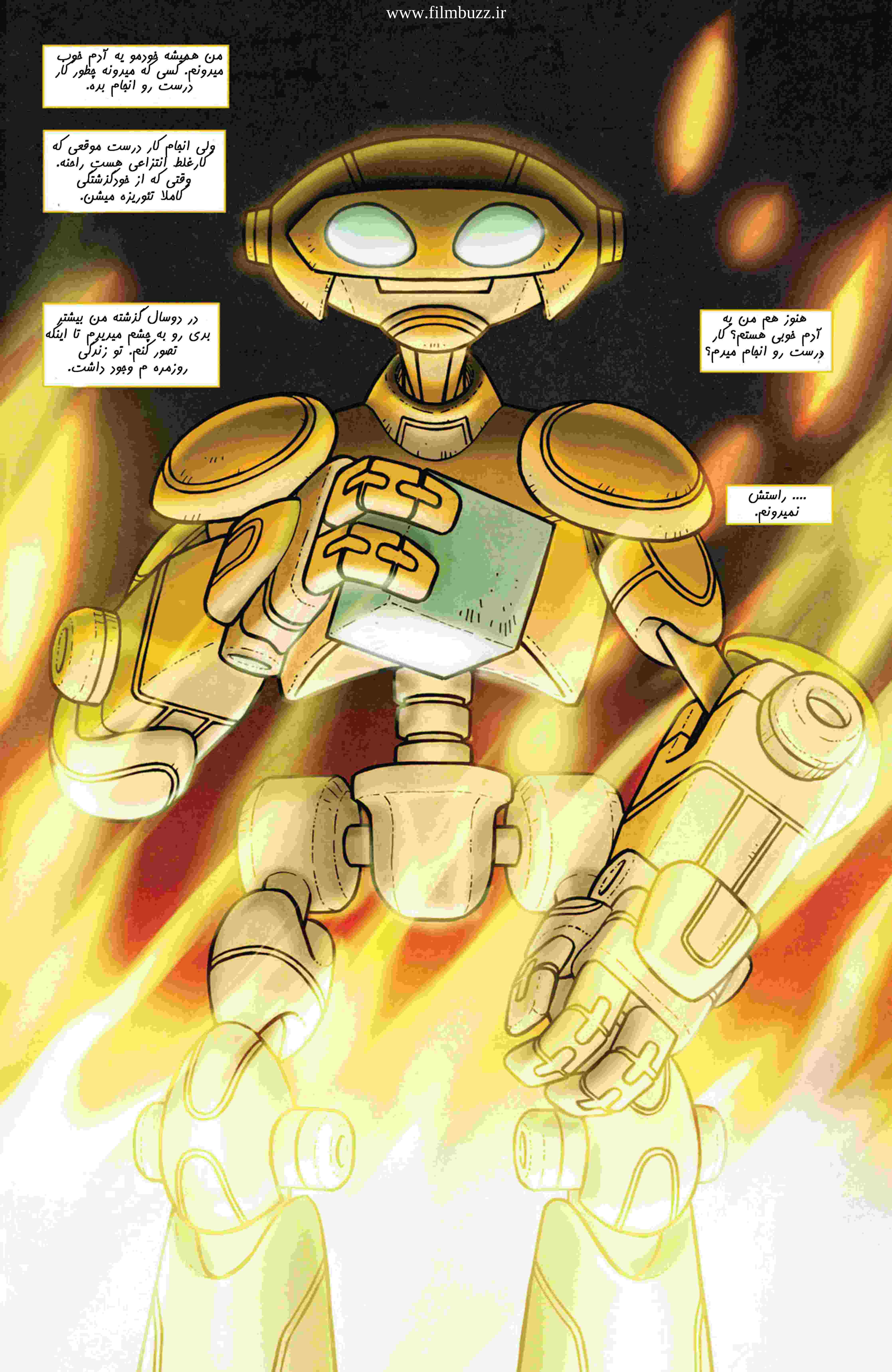

دو سال قبل.

من کل زندگی مو به عنوان یه دانشمند زندگی کرده‌م.به من یه احساس لذت میداد.

چشم دکتر هانیکات.

آلیاژ کاملا ضد گرماست. بی خطر هست و طبق آخرین آزمایش-

مثل «سَل»، یکی از اولین ساخته هام. یه روبات که با مغز خودم کنترل میشه. برای تغییر شکل استفاده میشه. اجازه میده بقیه ساخته هامونو امتحان کنیم.

اون برای کشف کردن ساخته شد. هدف اصلیش گسترش دانش بود. دوست دارم فکر کنم هدف این بوده.

...من آتش رو خاموش کردم. حالا میتونیم ببینیم تاثیر آلیاژ روی بافت‌های پوست چطوره.

هیجان کشف کردن. شروع کردن با هیچ و به جودر آوردن یک شی عالی و جدید.

-فکر میکنم بتونیم این پروژه رو موفق بنامیم.

حتی همون اول که اینجا رسیدم-بعدازینکه کرنک منو جزو نیروهاش کرد-هنوز هم کارمو دوست داشتم. فک میکردم که میخواد مردمشو سالم نگه داره.

ولی بعدا نقشه های واقعی شو کشف کردم.

البته محدودیت های زیادی داره. ریزذرات قدرتشو زود تموم میکنن. و هنوز باید به شکل روبات دربیاد تا شارژ بشه.

روشی که میتونه ریز ذراتو بررسی کنه. پوستشو عوض کنه، موهاشو عوض کنه و لباسهارو شبیه‌سازی کنه.

من دوست دارم هنوز روش کار کنم. سیستم انرژی شو ارتقا بدم. کاربردهای جدیدشو کشف کنم. اما...

اینجا جاییه که چیزای بزرگ اتفاق میفته.

اون عاااالی بود! دکتر هانیکات سل یه اختراع بزرگه.

Simulated Anthropomorphic Lifeform

REBUS

KARN

HONEYCUTT

...کرنک هم حقوقی داره.

مهم ترین حقوق. ما عالی کار کردیم.

...RIGHT.

انقدر بهونه نیار استاکمن. من به تو پول میدم که دردسر هارو کم کنی نه اینکه بیشترشون کنی. مشکلاتو حل کن و کارتو انجام بده.

من به اندازه کافی دانشمند احمق اینجا دارم.

– و مشکل جدی نیرو. من باید دانشمندای بیشتری رو استخدام کنم. دستیارهای بیشتری نیاز دارم. این مهم ترین مشکلمونه.

مشکل دوم، آزمایش حیواناته.اگه میخواید جنبش حمایت از حیواناتو نادیده بگیریم، خیلی خوبه ولی ریسک زیادی داره و نیازه که دوباره مذاکره کنیم–

این میتونه توی داروسازی، فضانوردی و هرچیز دیگه ای انقلاب ایجاد–

من–من فقط اومده م اینجا که بگم آزمایش های آلیاژ تیتانیوم موفقیت آمیز بود. ژنرال کرنک، ما میتونیم تولید انبوه رو شروع کنیم.

فقط به طور محدود برای کاری که اینجا تحقیق میکنید تولید بشه. اینجا فقط یه کاربرد اهمیت داره.

درست نمیگم دکتر هانیکات؟

درسته، یه کاربرد اهمیت داره، جنگ، ترور،قتل عام.

باید یه کاری میکردم. من تو این چند ماه خیلی بهش نزدیک شده بودم.

ولی درعوض...

EARTH - 30 DAYS POST TERRAFORM

CASUALTY PROJECTION: 3.3BN

HONEYCUTT

چرا هنوز اینجا وایشادی هانیکات؟

هیچ کاری نکرده م.

و تو به کرنک کمک میکنی که همشونو تصرف کنه؟

تو میدونیش الی
پارکینون؟
آفرین!
هکزا... و....

من....
الآن وقت خوابه. پسرم. چرا نمیری تو اتاقت؟

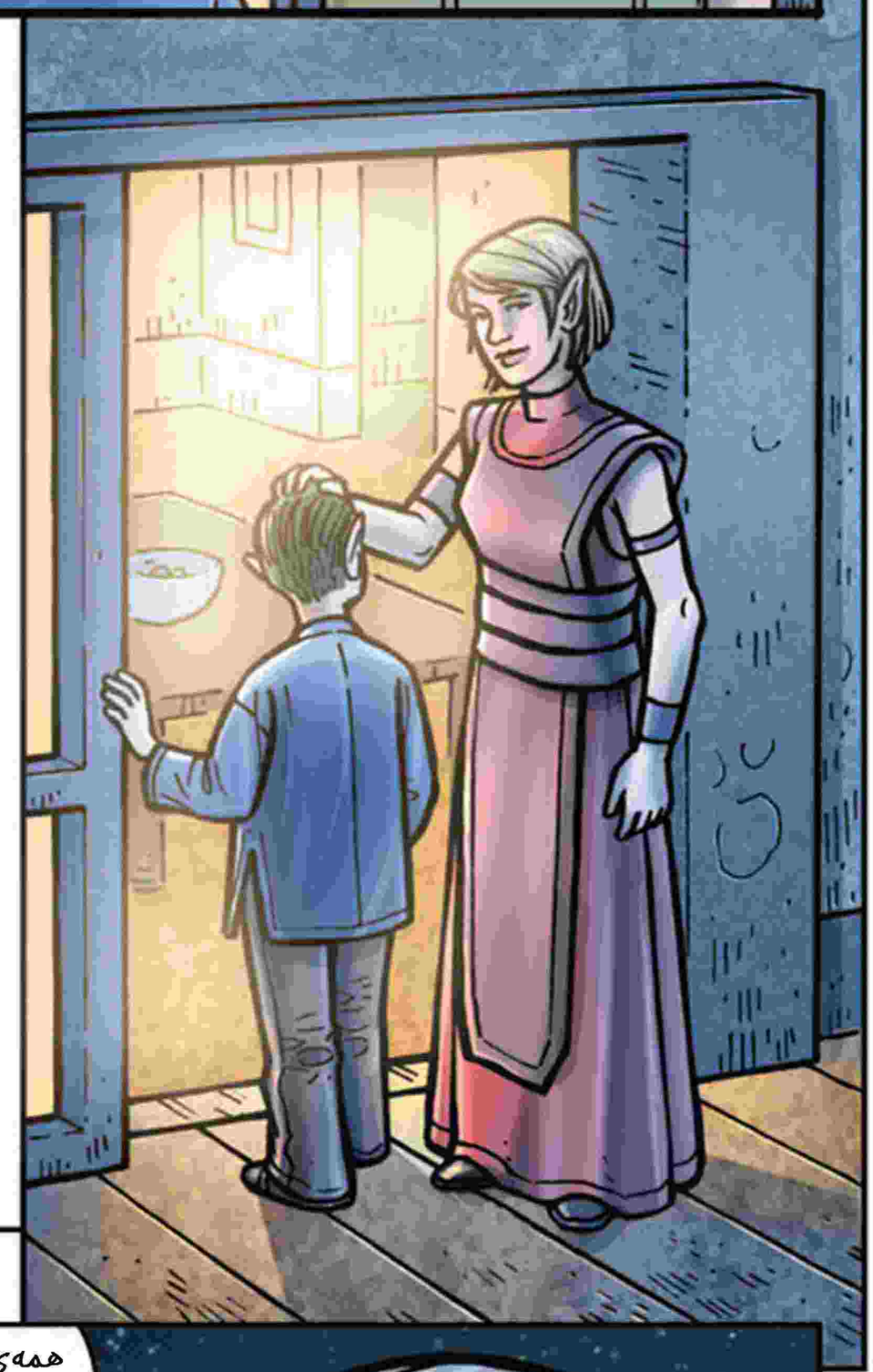

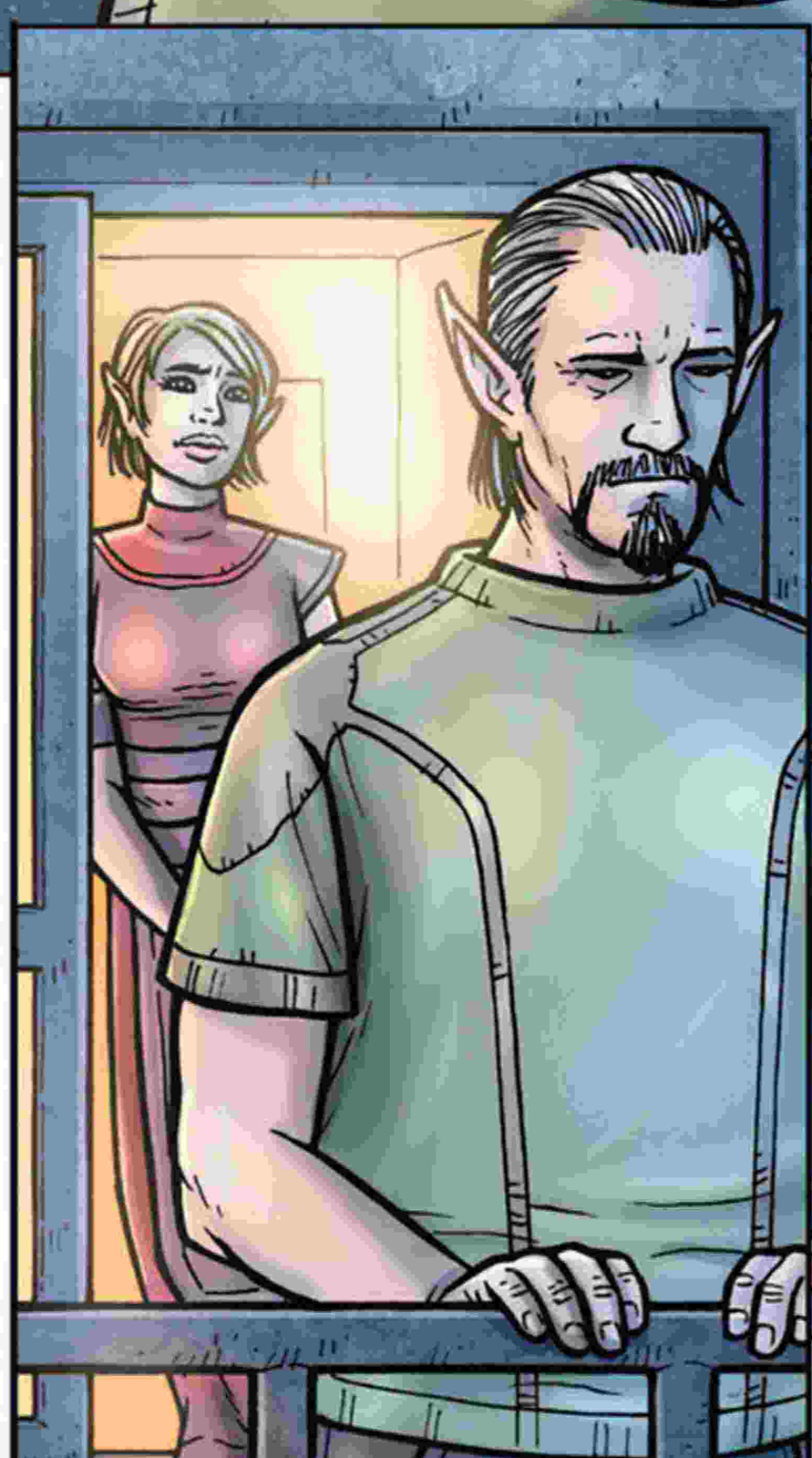

همه‌ی پدرمادرای دوستاش برای کرنک کار میکنن. همه همسایه ها. همه معلماش.
اون با دوستاش حرف میزنه. این چیزا رو میشنوه. بعضی از حقایقو.

استخدام؟
چی میگی؟ این منم.

من استخدام شده‌م.

هیچی. این همون چیزیه که
چندین ماه ازش طفره میرفتیم.
از وقتی که به زور اومدیم اینجا–

میدونم مارا.
من حدس میزنم
از اینم باهوش تر باشه.

اون ۶سالشه.
و به بدی ها
واکنش نشون میده.

من...من نمیدونم
چه‌انتظاری ازم داری
که اینو میگی.

مارا. بس کن.چیزی که میگی خیلی خطرناکه.
کرنگ میتونه ما رو پیدا کنه. و اون گرانیتی
دیونه رو بفرسته دنبالمون. نباید هر روز
بری اونجاو تو باید بدونی––

من وقتی بدی رو
ببینم میشناسمش. میدونم
که چطور گسترده میشه....
چطور آسیب میزنه.
به خاطر پسرمون.

مارا–

امروز دوباره با رفیقم
حرف زدم. کسی که اونا رو
میشناسه. کسایی که میخوان
کمکمون کنن.

ما باید باشون
صحبت کنیم.
ما باید––

جنگ با بدی آسون نیست.
دردناکه. زشته. ولی
کار درستیه که باید انجام بشه.

قبول
داری؟

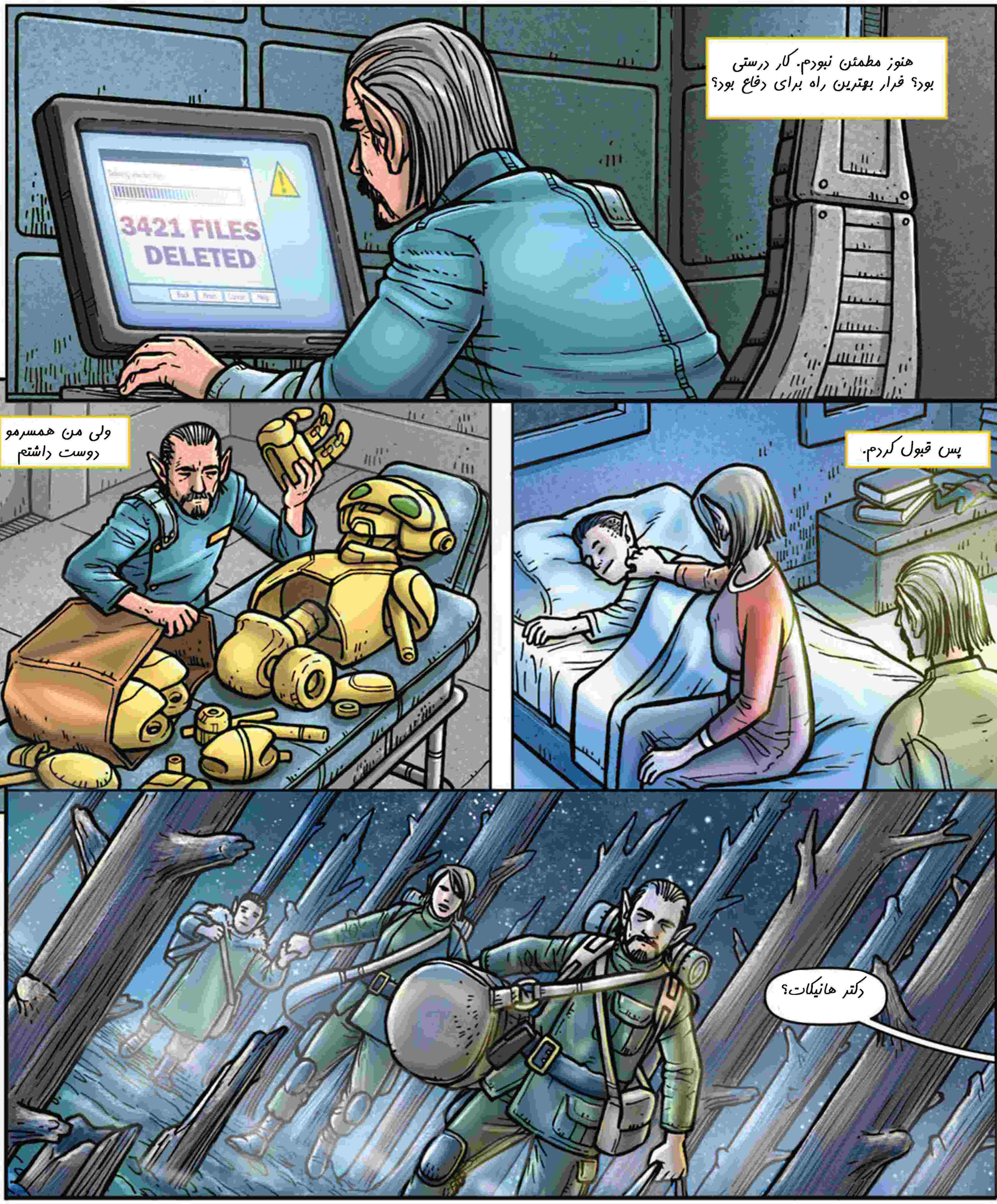
هنوز مطمئن نبودم. کار درستی بود؟ فرار بهترین راه برای دفاع بود؟
3421 FILES DELETED
پس قبول کردم.
ولی من همسرمو دوست داشتم
دکتر هانیکات؟
به «مقاومت» خوش اومدی.

بیست ماه قبل.

ما در یک مرکز تحقیقاتی رهاشده بودیم که الآن «مقاومت» نوترینو توی اون کار میکرد.

من شمت مردمم برگشته بودم. اوناخیلی دوست داشتن دانش منو داشته‌باشن و میخواستن از کرنک دور نگهش دارن.

میزبان هام از من خواستن یه پورتال چند بعدی بسازم. کرنک یک دروازه به سمت زمین داشت. و مخالفا میخواستن شرایطو برابر کنن.

ما باید کار درست رو میکردیم. از کرنک فرارکردیم. به نوترینو برگشتیم و به مقاومت ملحق شدیم.

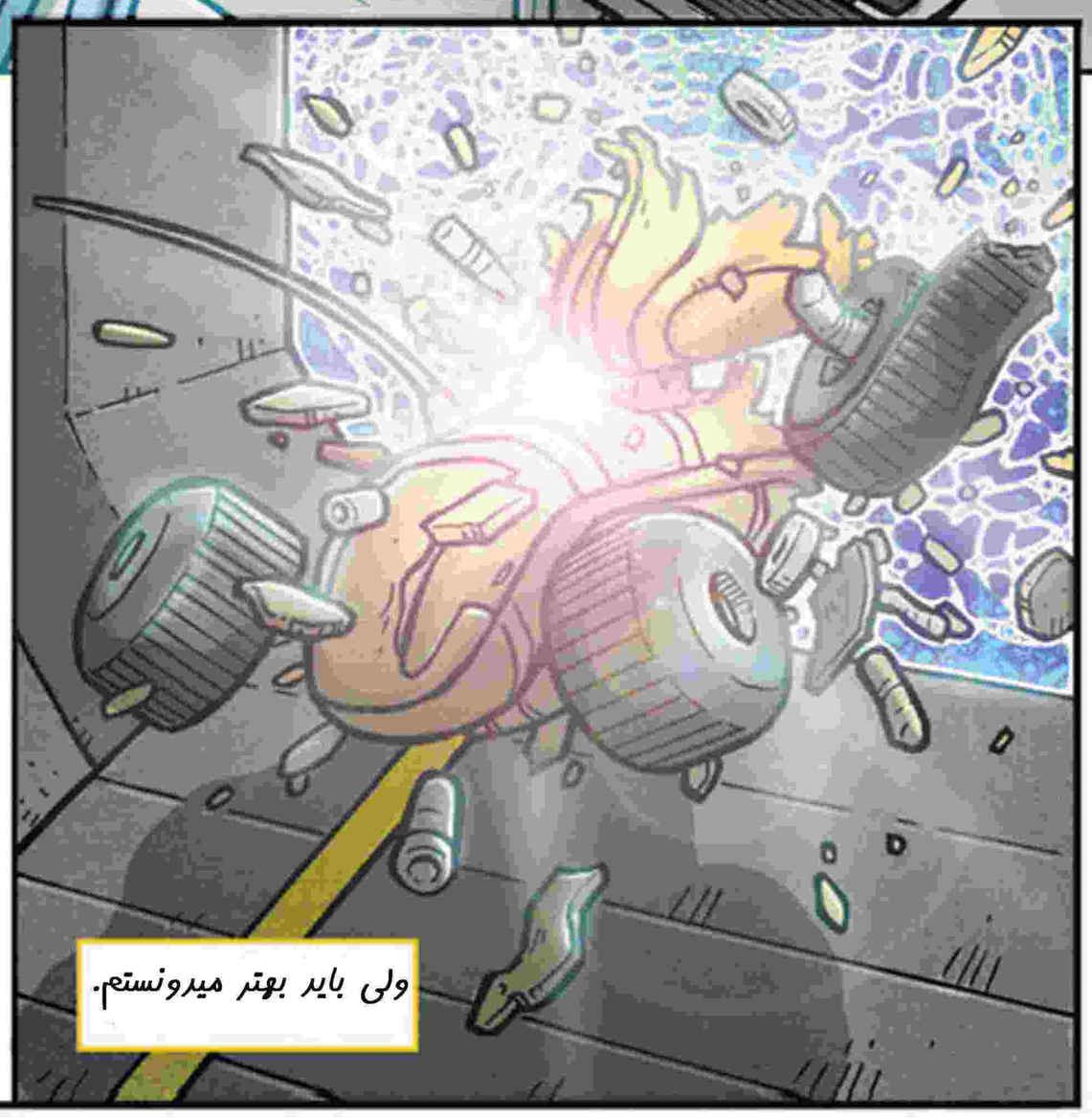

این اصلا خوب نیست!

درسته. ما نصف شب روی این کار کردیم فلیکس. من فردا دوباره روش کار میکنم. باید برای دور بعدی آزمایش ها بشیم. دو تا سه هفته دیگه.

سه هفته؟

دو تاسه هفته.

حتی با کارهایی که کرده بودیم پورتال فقط شصت درصد مواقع کار میکنه.

فک نمیکنم بفهمی.فک کنم-

من میدونم که چی میگ--

هانیکات،کاش میتونستم صبر کنم. ما میخوایم بجنگیم. نمیخوایم یه تئوری رو اثبات کنیم.

-بزاریم بسوزن؟
بخش تنظیماتش کجاس؟
باید داشته باشه!

چیبی؟

وقتی که قسمت
آزمایشگاه درخطر باشه بخش
خونواده ها بسته میشه.
این به پروتکل امنیتیه.
ما باید-

باید ازینجا
بریم بیرون.
همین الآن.

باید دنبال
خونواده م برم.

نمیتونی! اونا
زندانی شده‌ن.

اون شعله ها
تو رو میکشه.
نمیتونی زنده
بمونی.

من رفتم.

تو مرکز فرمان.
از اون طرف.

با این
بدنم نمیرم.

www.filmbuzz.ir

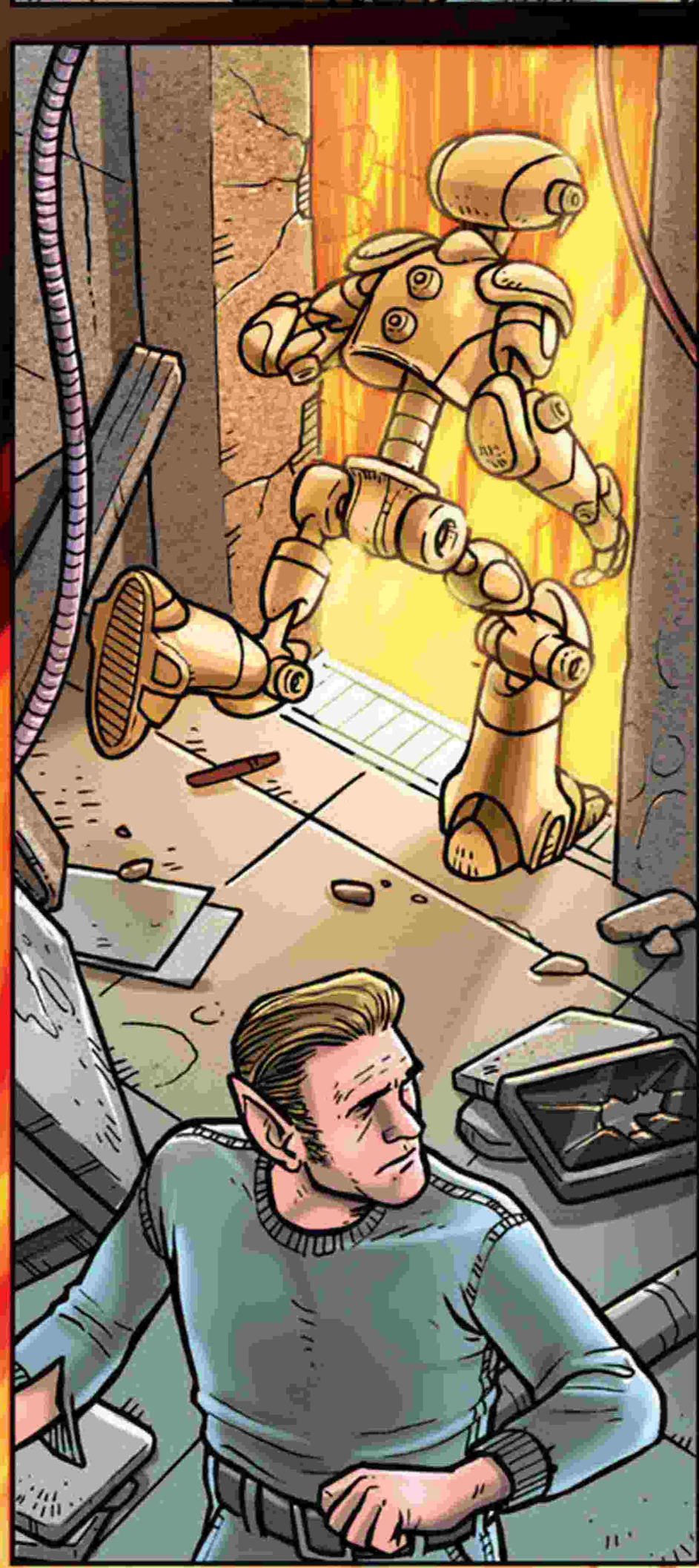

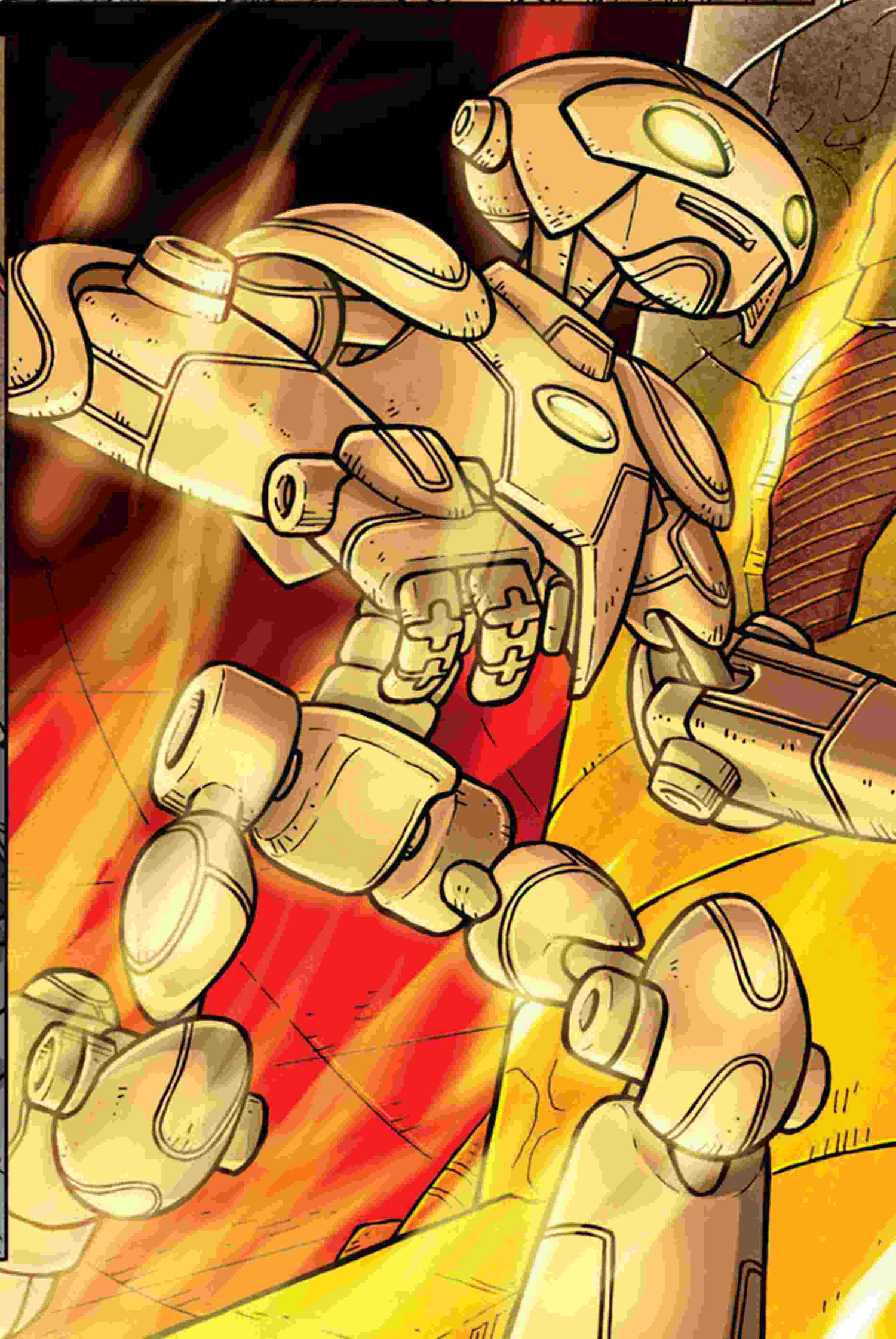

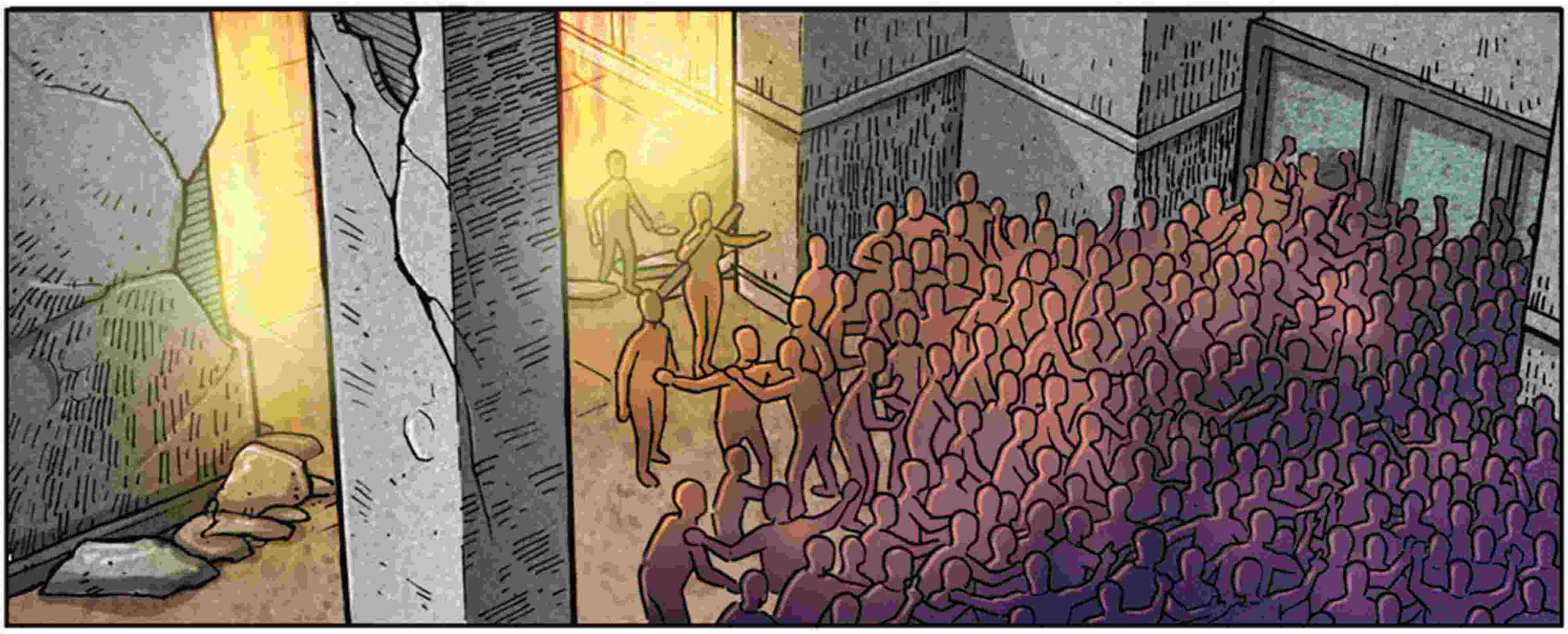

چیزی نیست الی.
ما- ما ازینجا میریم بیرون.

مامان-
چرا باز نمیکنی؟ درو باز کنید!

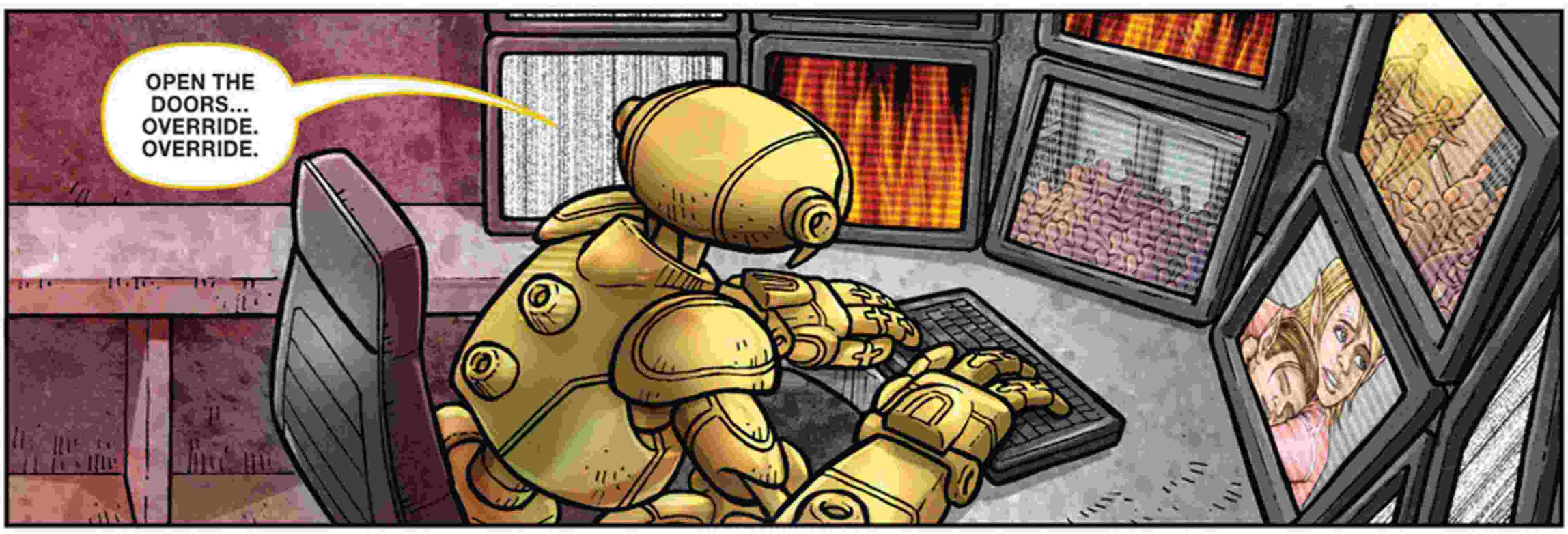
OPEN THE DOORS... OVERRIDE. OVERRIDE.

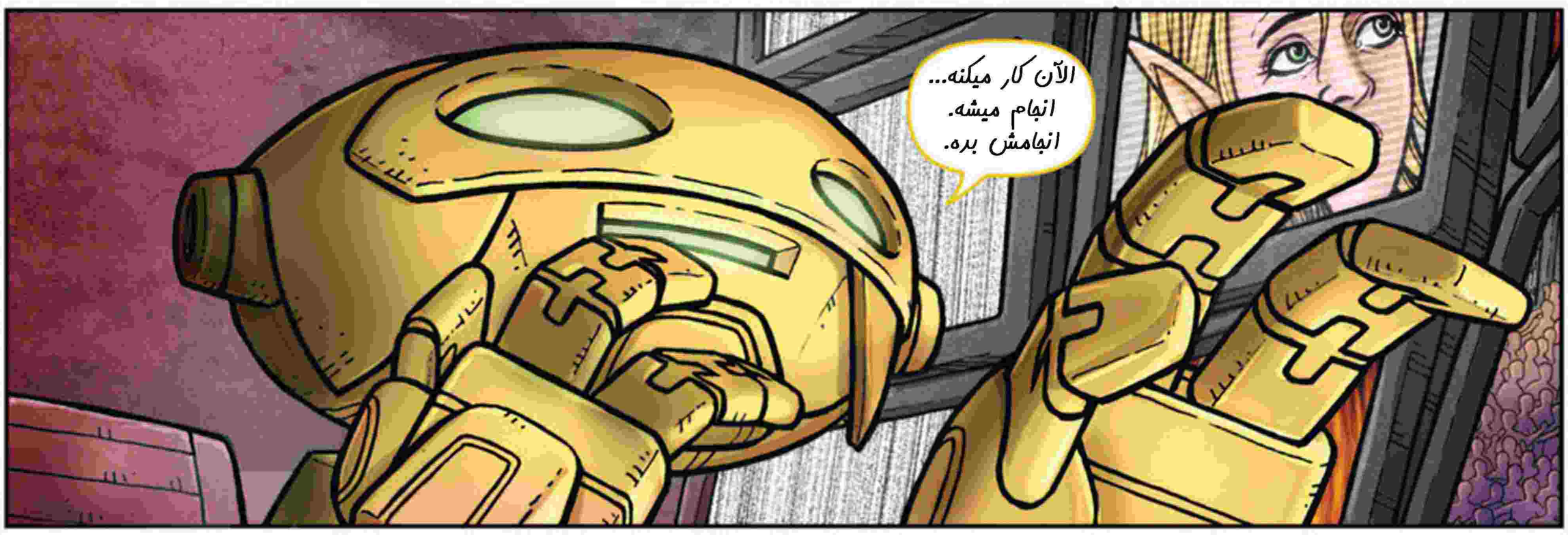
الآن کار میکنه... انجام میشه. انجامش بده.

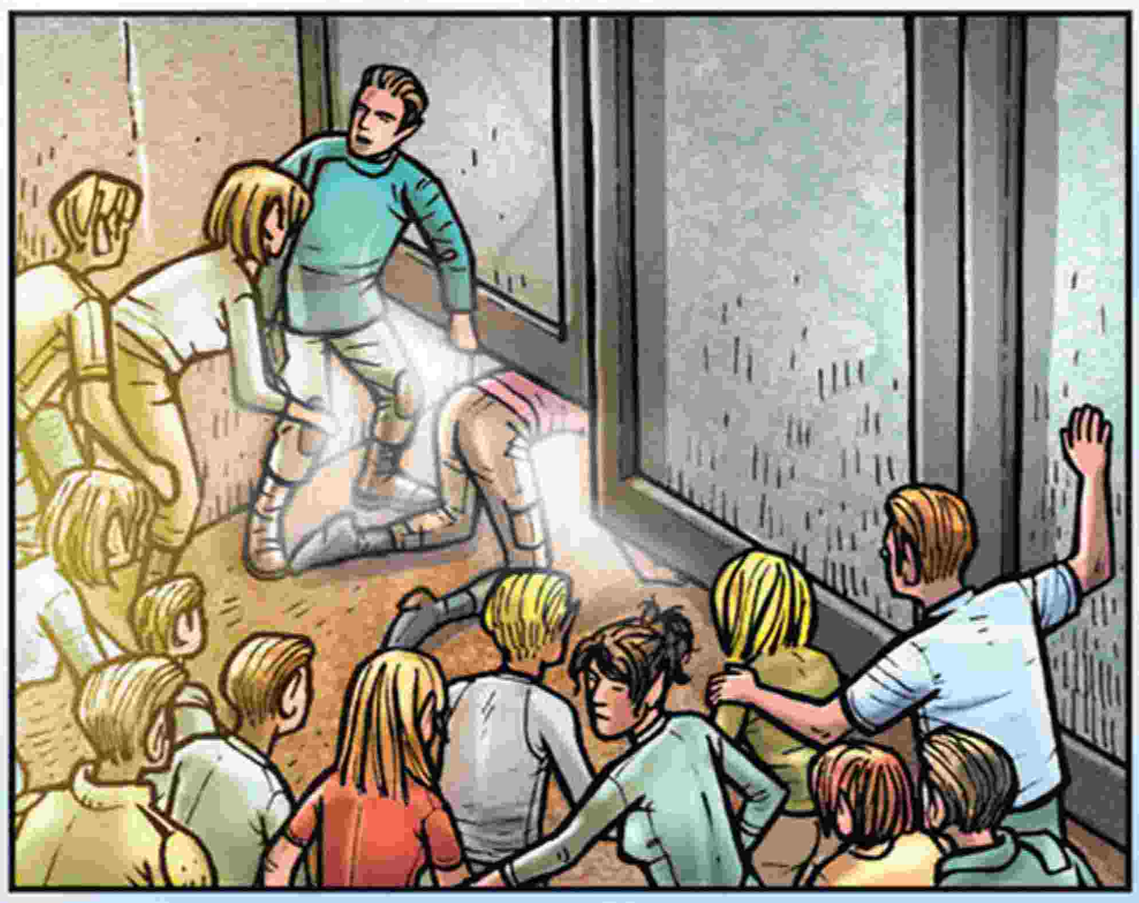

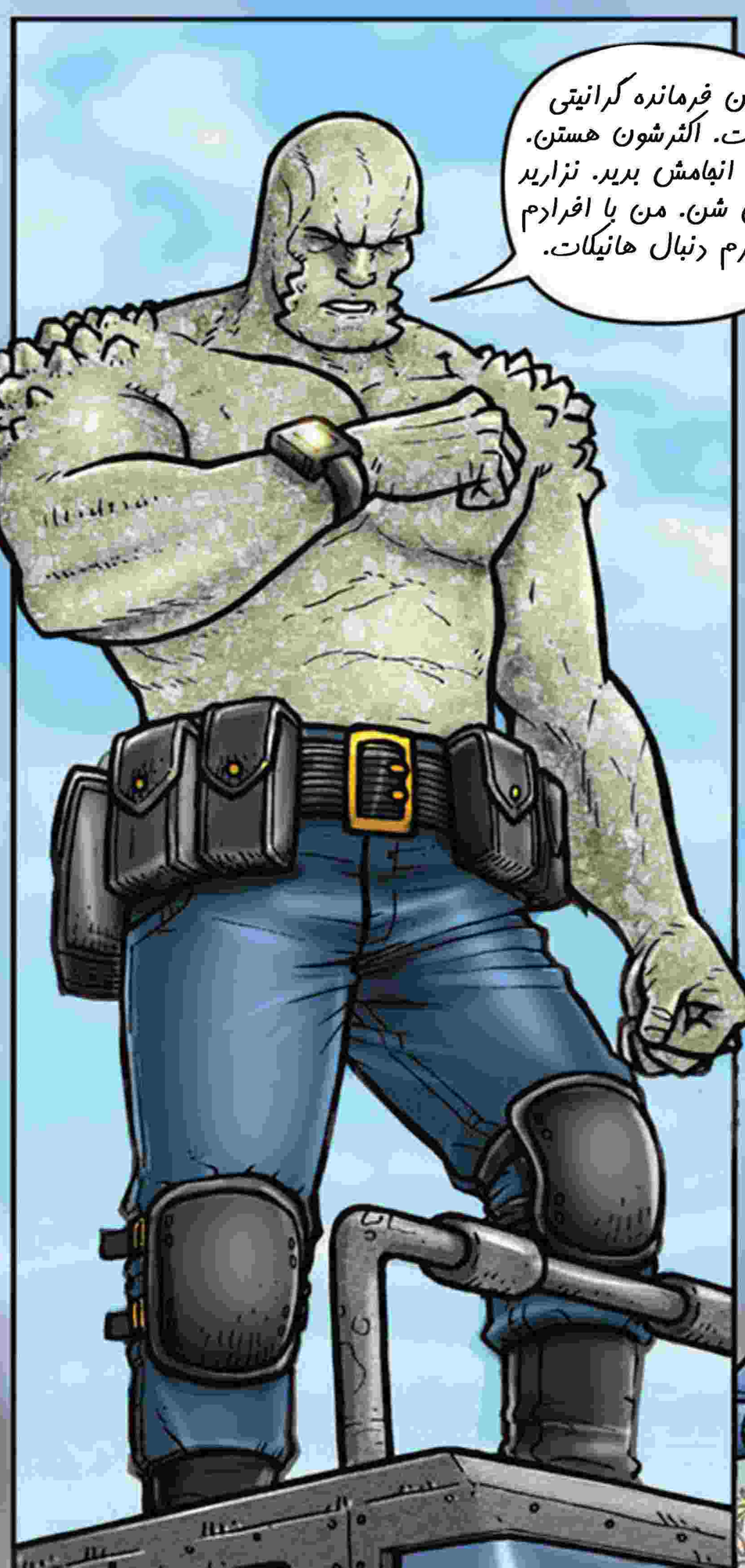
این فرمانده گرانیتی هست. اکثرشون هستن. الآن انجامش بدید. نزارید پخش شن. من با افرادم میرم دنبال هانیکات.

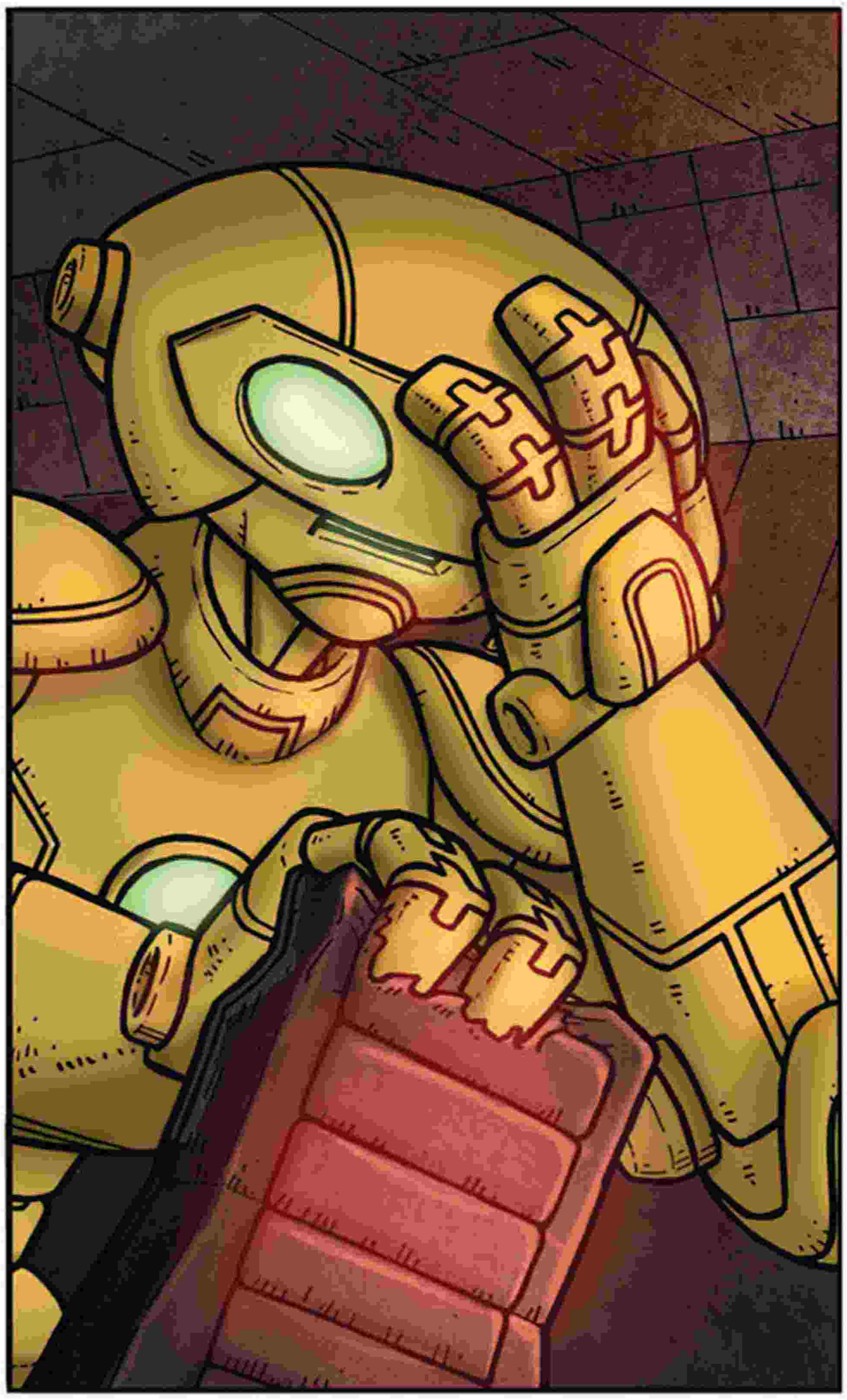

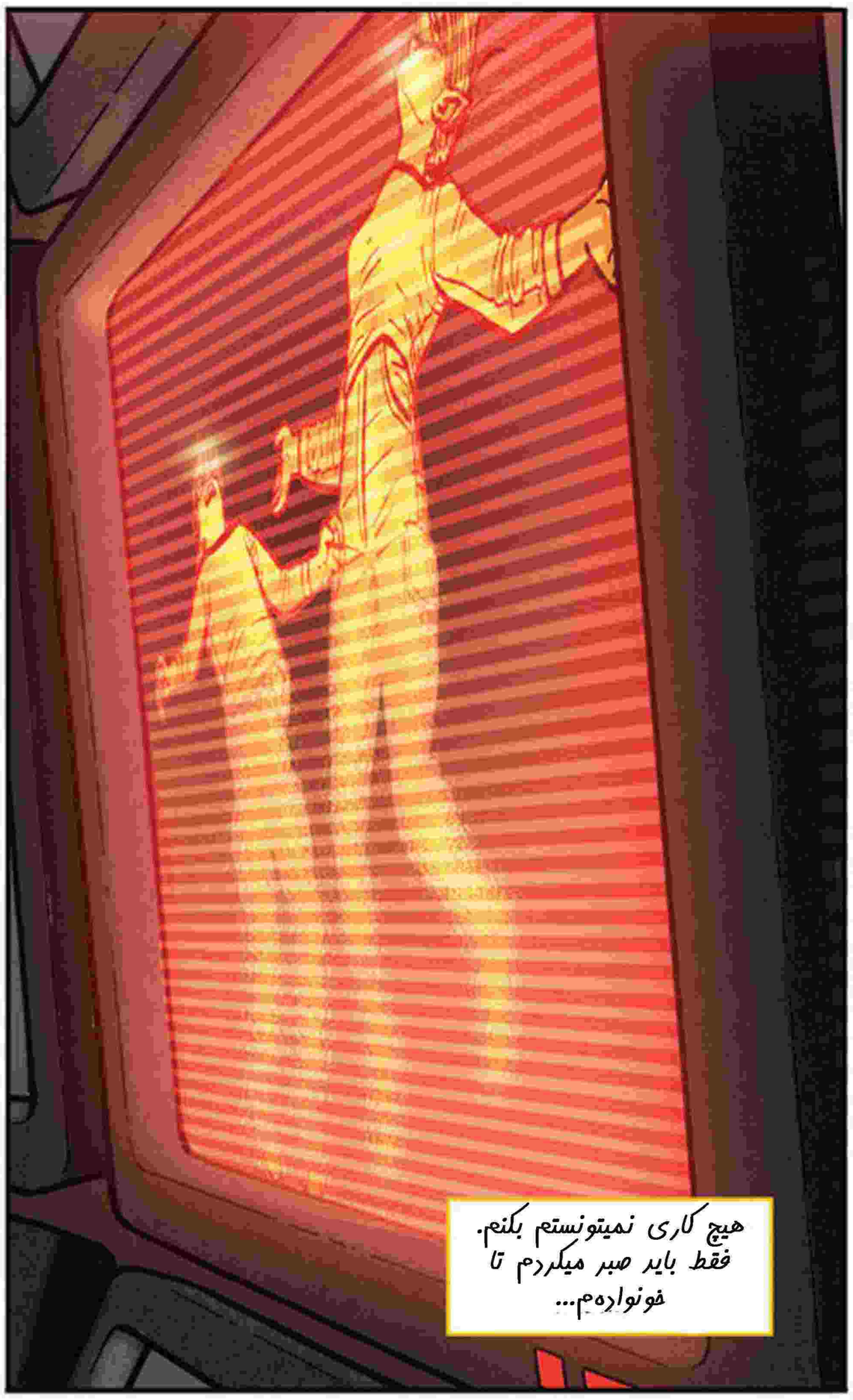
هیچ کاری نمیتونستم بکنم.
فقط باید صبر میکردم تا
خونواده‌م...

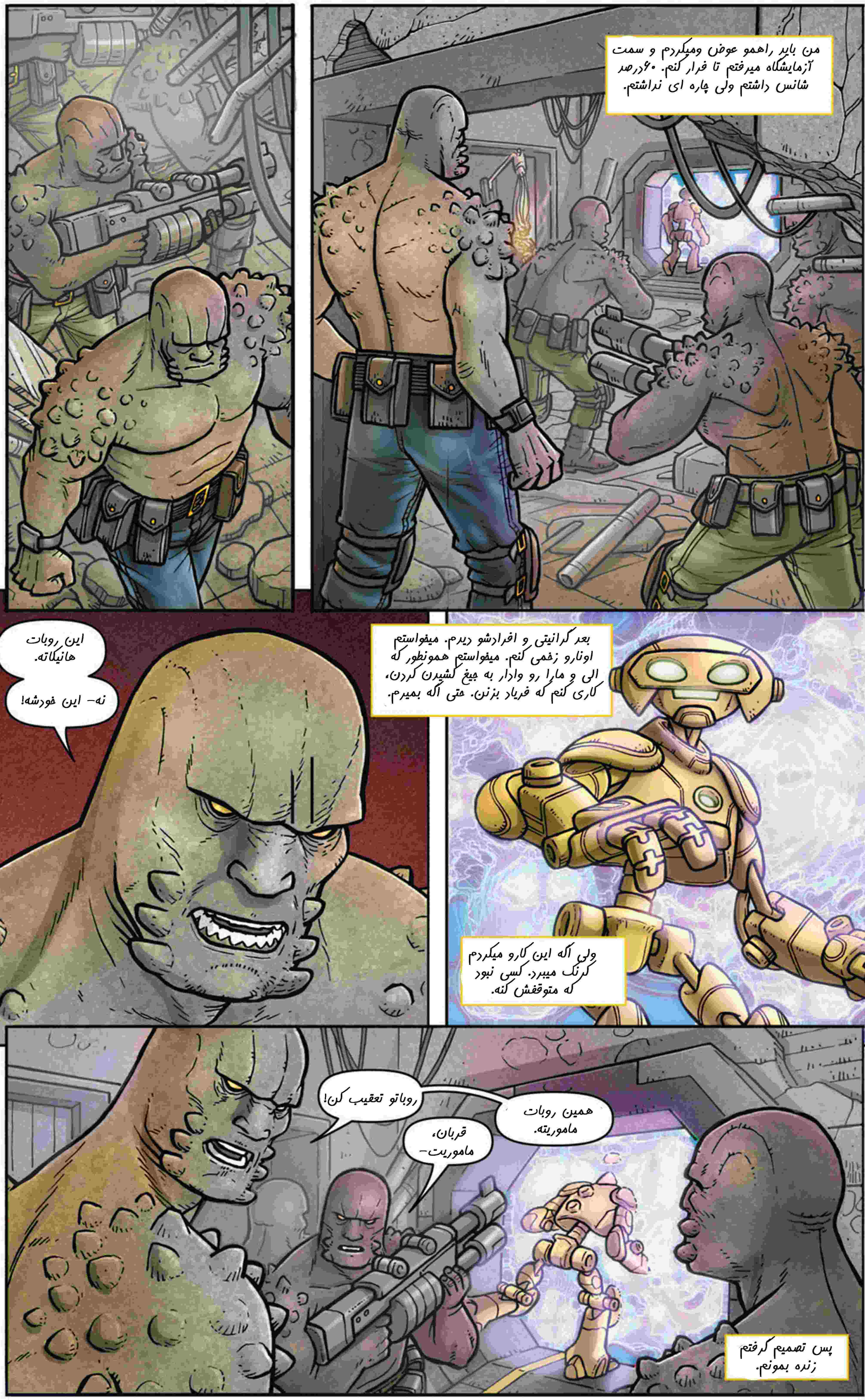
من باید راهمو عوض ومیکردم و سمت آزمایشگاه میرفتم تا فرار کنم. ۶۰درصد شانس داشتم ولی چاره ای نداشتم.
بعد گرانیتی و افرادشو دیدم. میخواستم اونارو زخمی کنم. میخواستم همونطور که الی و مارا رو وادار به جیغ کشیدن کردن، کاری کنم که فریاد بزنن. حتی اگه بمیرم.
ولی اگه این کارو میکردم کرنگ میبرد. کسی نبود که متوقفش کنه.
این روبات هانیکاته.
نه- این خودشه!
همین روبات ماموریته.
روباتو تعقیب کن!
قربان، ماموریت-
پس تصمیم گرفتم زنده بمونم.

www.filmbuzz.ir

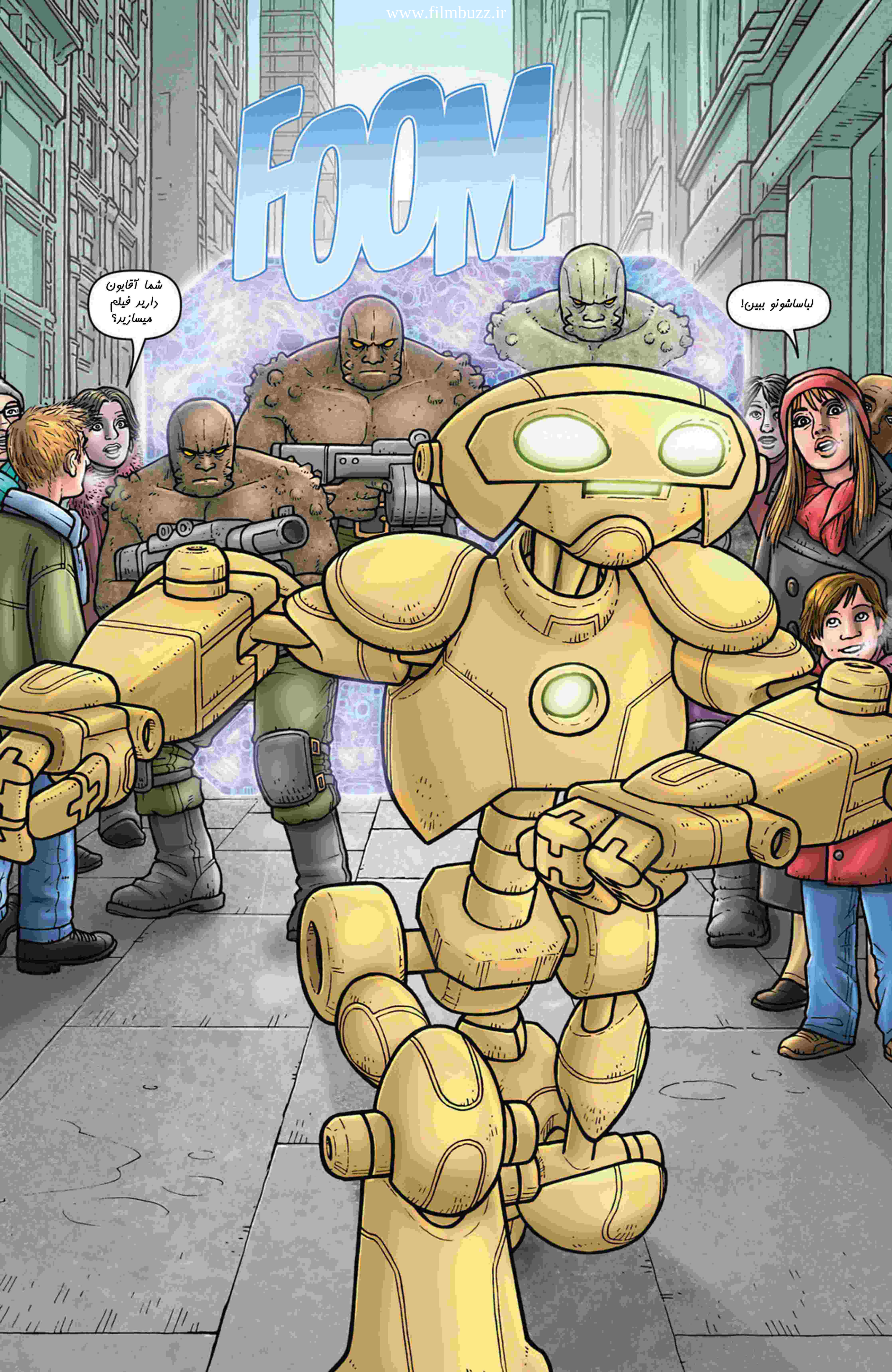

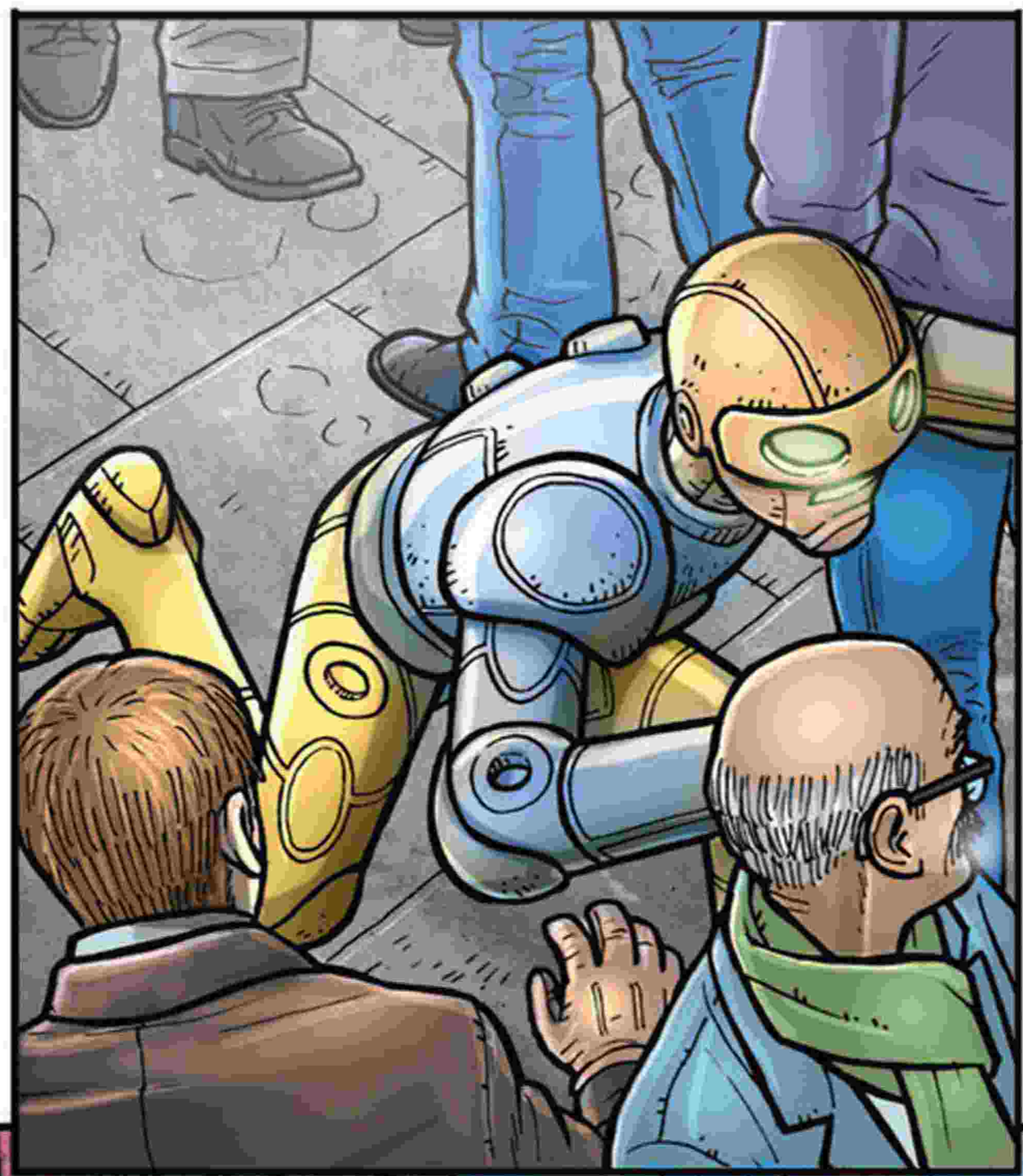

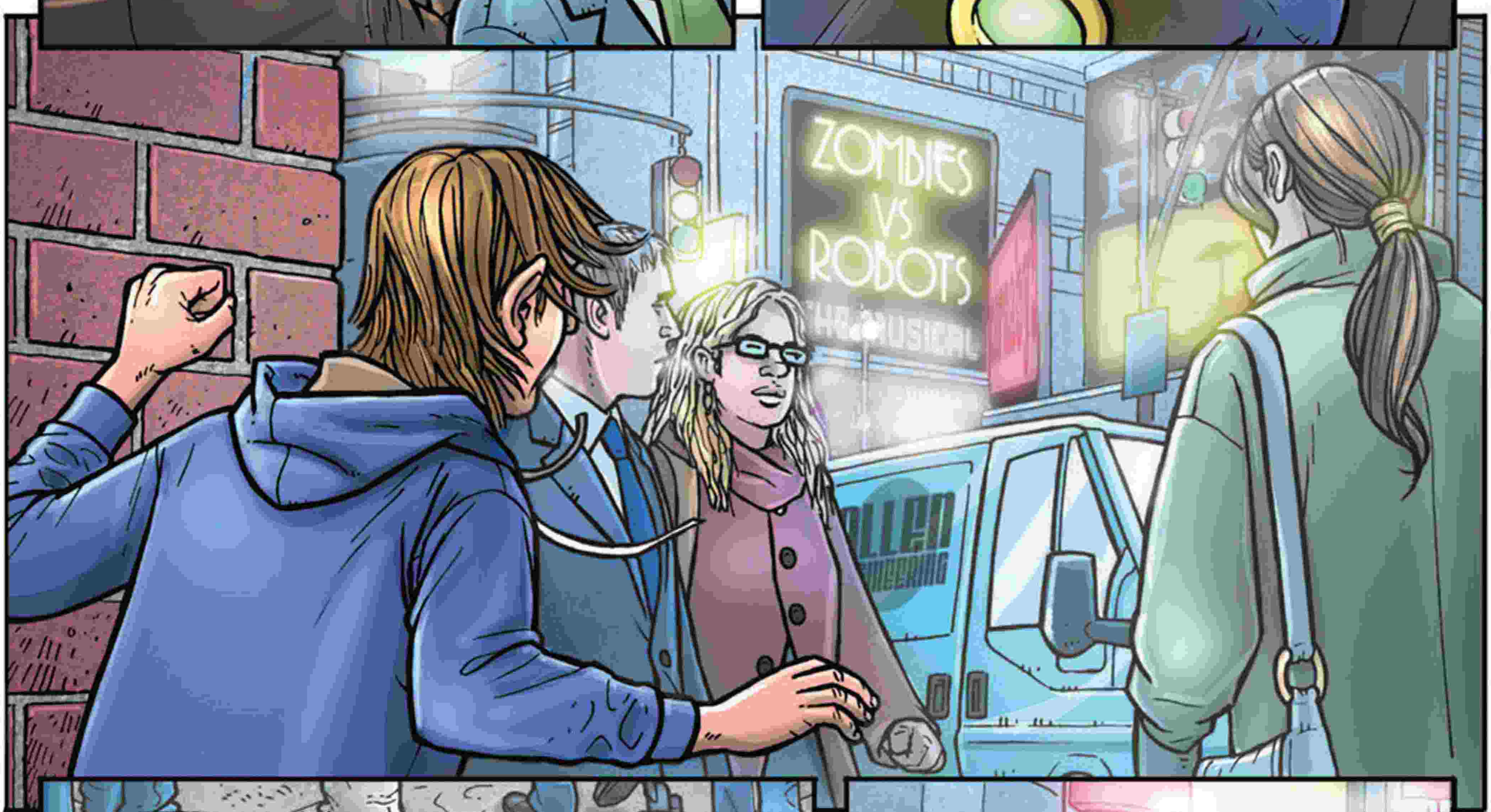
ZOMBIES
VS
ROBOTS
THE MUSICAL

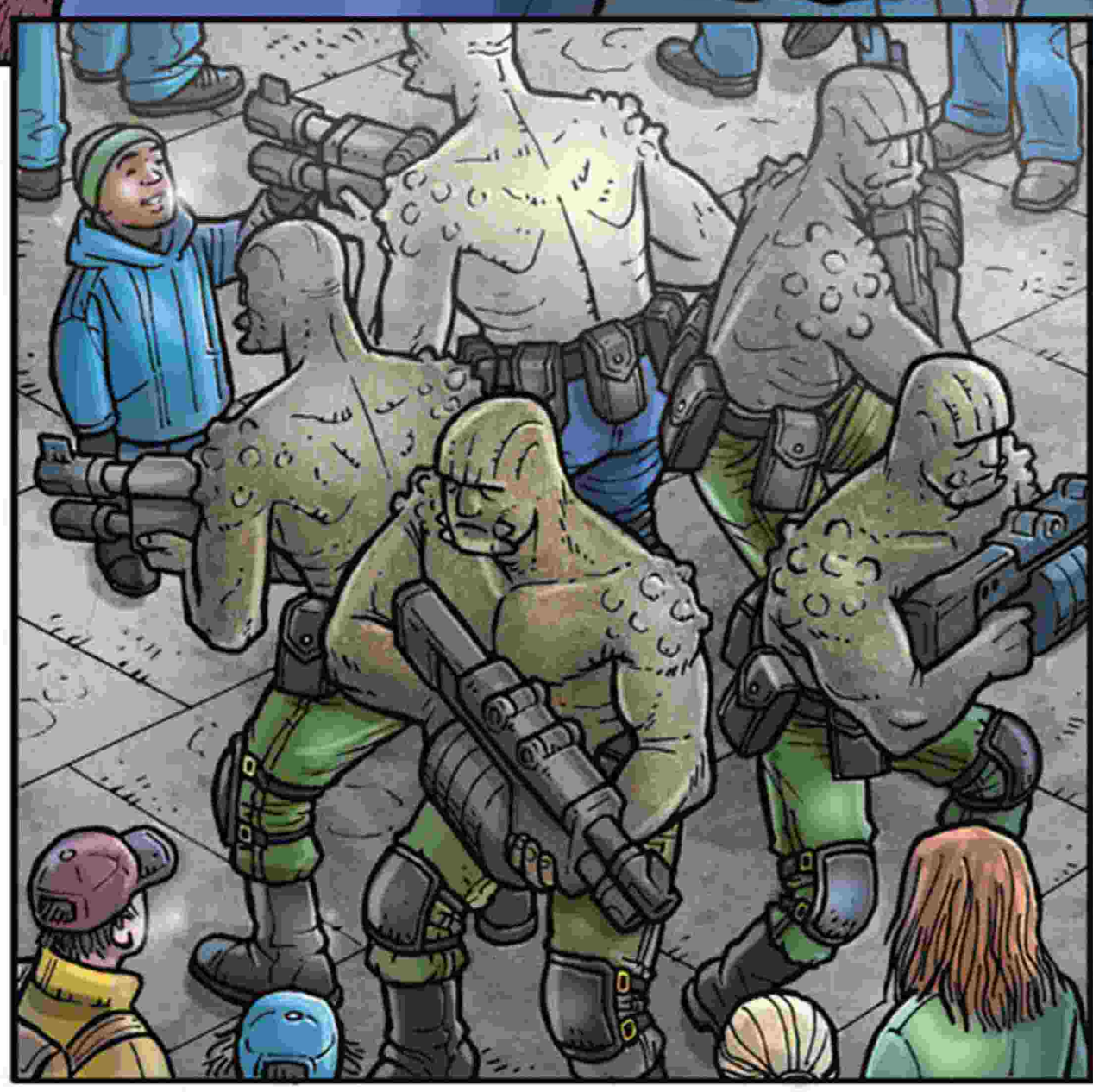

حالا من توی سلوغ ترین
شهری که دیده‌م تنها بودم.

هجده ماه قبل:

میدونستم که کرنک حتما دنبالم میاد و از هر وسیله ای برای این کار استفاده میکنه.

اون یه روبات فراریه دکتر استاکمن. ما اسمشو گذاشتیم فوجیتوید. خیلی باهوشه و خطرناکه. ما به اطلاعات اون نیاز داریم.

پس به همه افراد و نیروهای وحشی ت آماده باش بده.

من واقعا از این یارو متنفرم.

اممم. درسته ولی مگه چقدر سخته که یه روبات رو تو منهتن پیدا کنیم؟

درسته. ولی-- یه روبات فراری. فوجیتوید. اون باهوشه. هه هه.

ماه های اول شدیدا سخت و دردناک بود. من دلتنگ خونواده م بودم. دلتنگ زندگی قدیمی. ولی کم کم به زندگی روباتیم عادت کردم.

حال حاضر.

من الآن بیشتر از یک سال و نیمه که اینجام.هنوز زنده و آزادم. برای چیزی که ارزششو داره.

بعدا متوجه شدم که این بدن روبات چیز بدی نیست. من با هویت هانیکات نمیتونستم به کرنک نزدیک یشم ولی با این؟

تنها چیزی که ازش مطمئن بودم این بود: میدونستم که باید کرنک رو متوقف کنم. برای این زنده مونده‌م.

ولی چکار میتونستم بکنم؟یه دانشمند تنها تو یه سیاره غریبه با بدن یه روبات تغییر شکل دهنده به درد نخور.

من بدنمو فدا کردم. این یعنی خونواده مو حفظ کردم. اگه خونواده رو از دست بدم و توی روبات خودم گیر بیفتم چی؟

www.filmbuzz.ir

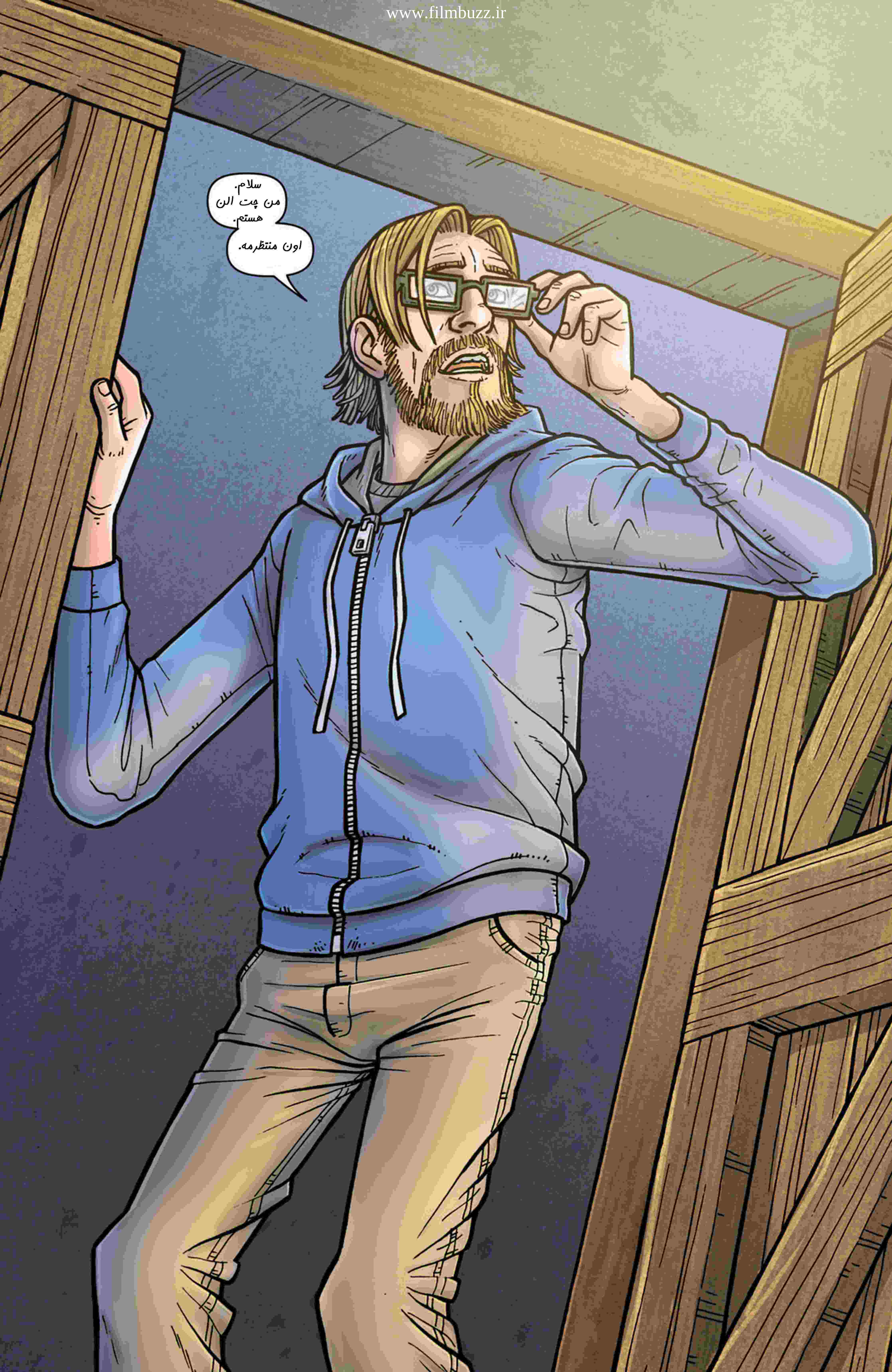

آدمای خوبی تو آزمایشگاه استاکمن بودن. کسایی که اگه واقعیتو میدونستن به من کمک میکردن.

ولی نمیتونیستم اونارو درگیر کنم. نمیتونستم بیگناهای بیشتری رو تو خطر بندازم.

میتونستم همه جا برم. میتونستم تو دل خطر برم. به عنوان یه جاسوس.

بفرمایید اسپلینتر کوچولو.

ما خیلی چیزا ازت یاد میگیریم.

ولی نمیتونستم اینو تنها انجام بدم.برای ضربه واقعی نیاز به یار داشتم.

آقای استاکمن. من اینجام که برای کار استخدام شم.

مدار صداش نابوده!

من تنوستم به خودم یه چهره و هویت جدید بدم.

به جاش دنبال کمک گشتم. دنبال کمک مردمی که بیگناه نبودن.

یه گروهی پیدا کردم که میتونستن به من کمک کنن تا یه شاخه جدید از مقاومت رو روی زمین شکل بدیم.

اونا آدمای خوبی نبودن و در این مورد چیزی نمیدونستن.

ولی کرنک شیطانه خیلی آدم کشته. خیلی خونواده کشته. اگه متوقف نشه بیشتر میکشه.

بله، انگار رسیدیم خونه اول. من فک میکنم بتونیم به همدیگه کمک کنیم.

همسرم راست میگفت. جنگ با بدی هیچوقت راحت نیست. دردناک و زشته.

بعضی وقتا نیازه سازش کنی.

اون کجاس؟ اون موش کجاس؟

اگه اینا بتونن کمکم کنن کرنگ رو شکست بدم...

پس دارم کار درستی میکنم.

...مگه نه؟

END.

www.filmbuzz.ir

CONCEPT ART BY PAUL MCCAFFREY

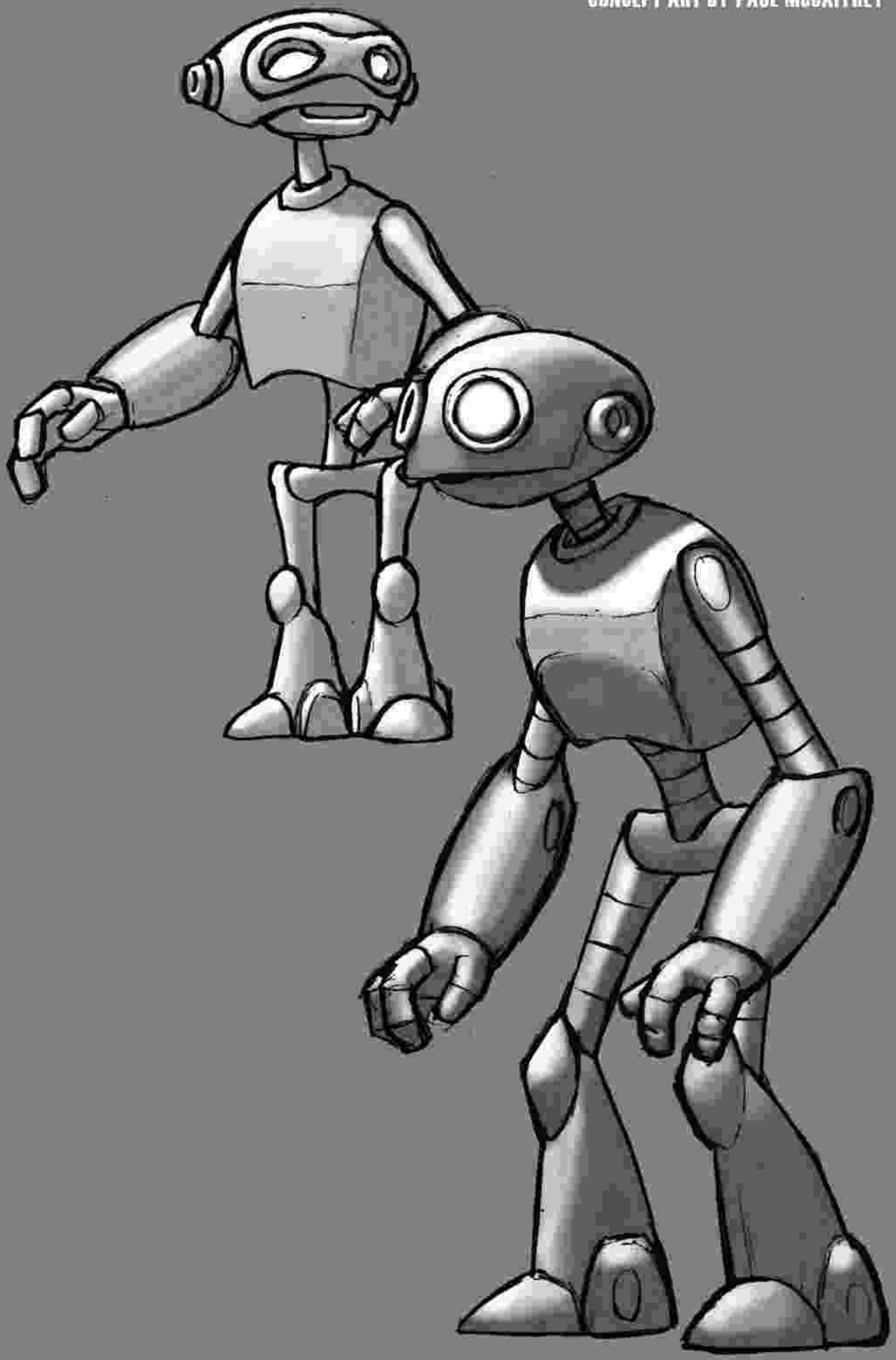

www.filmbuzz.ir

CONCEPT ART BY PAUL MCCAFFREY

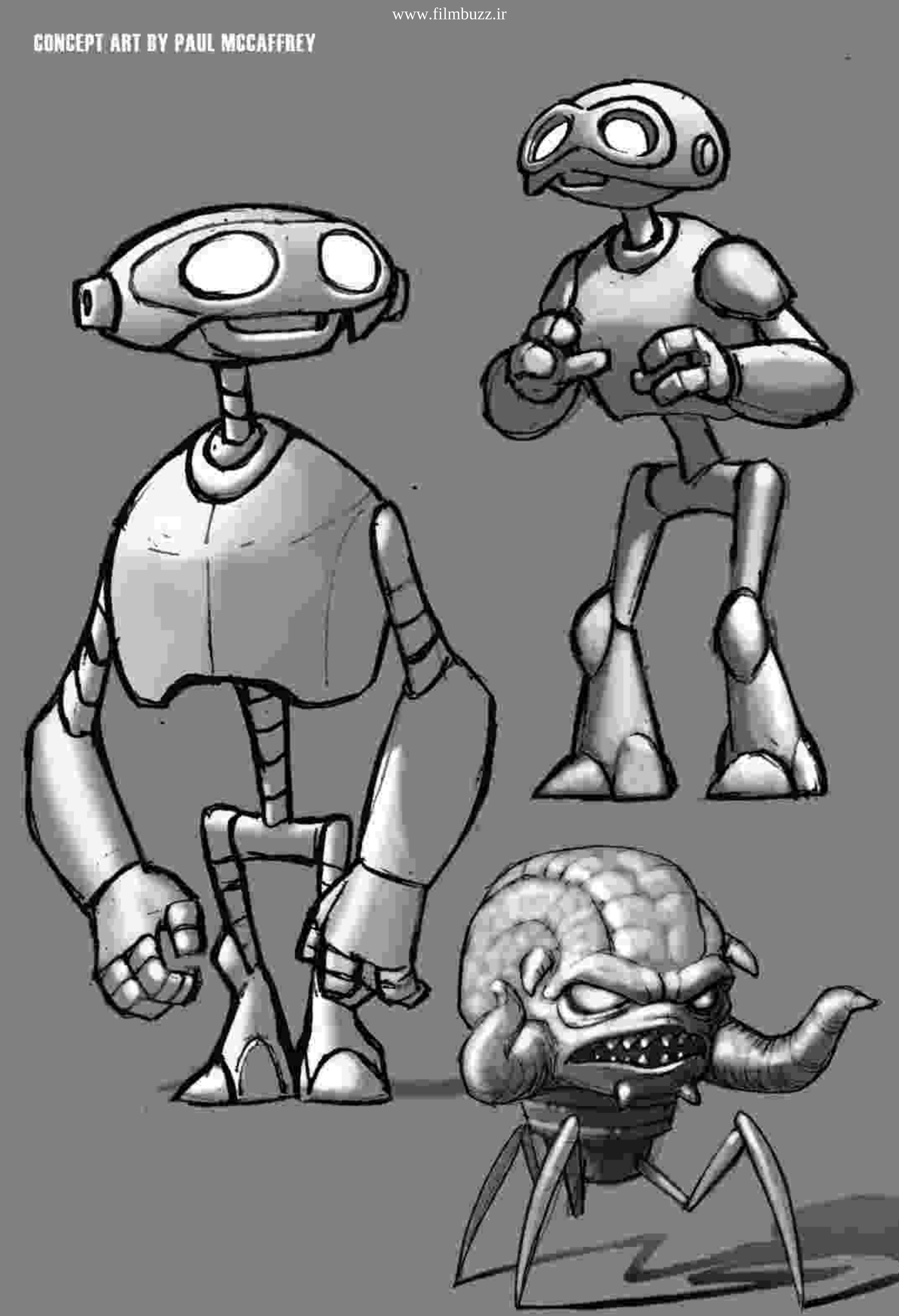

www.filmbuzz.ir

TOP COW

STARRING LARA CROFT AS THE

TOMB RAIDER ORIGINS

www.topcow.com

image

1

EIDOS

CORE

JURGENS
PAJARILLO
MIKI
EVANS
DREAMER

FINCH
DATRON
JDSMITH
2000

filmbuzz.ir
fb/filmbuzz۱۳

www.filmbuzz.ir